

به سوی توسعه پایدار متوازن

شیرکو سهرابی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه علم و صنعت (دوره روزانه)

Shirko4815@gmail.com

چکیده

با توجه به اینکه مسئله توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین مسائلی است که تمام کشورها، اعم از درحال توسعه و توسعه یافته به دنبال آن هستند، در این مقاله سعی شده است تا به سه مقوله مهم مربوط به این مسئله پرداخته شود. البته این نکته حائز اهمیت است که توسعه پایدار مد نظر است که متوازن باشد، یعنی شامل تمام قشرهای جامعه شود. لذا اولین مقوله مربوط به نقش دولت در خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، کنترل جمعیت و ایجاد درآمدهای غیر نفتی است، مقوله دوم مربوط به توسعه پایدار و محیط زیست است، چرا که محیط زیست از اساسی‌ترین شاخصهای توسعه پایدار متوازن است. بحث آخر نیز مربوط به توسعه درونی شهرها است، چون که بیشتر جمعیت هر کشور را در قرن حاضر معمولاً شهرها تشکیل می‌دهند، بنابراین پرداختن به مسئله مهمی چون توسعه متوازن پایدار بدون در نظر گرفتن شهرها عملاً بی‌معنی خواهد بود.

واژگان کلیدی: توسعه متوازن، دولت، محیط زیست، توسعه درونی

مقدمه

توسعه، را می‌توان دغدغه دیرین جامعه ایران به شمار آورد که تاکنون طرح‌های راهبردی متعدد و مختلفی جهت تحقق آن ارایه و عملیاتی شده است. اما همان‌طور که اشاره شد این یک دغدغه دیرینه است و پژوهشگران در دهه‌های گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه‌ای می‌تواند سبب برون‌رفت کشور از معطلات اقتصادی باشد که پایداری از ویژگی‌های اصلی آن باشد. پایداری، را باید صفت بارز و برجسته‌الگوهایی از توسعه قلمداد نمود که توجه بسیاری از اندیشه‌گران این حوزه را به خود مشغول داشته است. از این منظر شاهد ارایه نظریه‌های مختلفی از پایداری هستیم که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف. پایداری مبتنی بر ابعاد، که در آن توسعه همه‌جانبه به عنوان الگوی پایدار توسعه تلقی می‌شود؛
 ب. پایداری مبتنی بر محیط زیست، که در آن توسعه سبز به عنوان الگوی پایدار توسعه قلمداد می‌گردد؛
 ج. پایداری مبتنی بر توان داخلی که در آن توسعه درونزاد به عنوان الگوی پایدار توسعه محسوب می‌شود؛ و بالاخره:
 د. پایداری مبتنی بر تناسب که در آن توسعه عادلانه به عنوان الگوی پایدار توسعه به حساب می‌آید.
 در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اظهار داشت که مفهوم راهبردی "تناسب" به دلیل جامعیت و کلینی که دارد، می‌تواند بهترین راهنمای توسعه برای پایدار ساختن آن باشد (افتخاری، ۱۳۹۴).

به همین دلیل پایداری مبتنی بر توازن و تناسب آخرین و بهترین راه حل ارائه شده‌ای است که می‌تواند سبب شکوفایی اقتصاد کشور شود به طوری که عدالت اقتصادی برای همه‌ی بازیگران اقتصادی مهیا باشد و فرصت‌های شغلی و جایگاه‌های اجتماعی در اختیار همه قرار بگیرد.

حاکمیت نگاه بخشی در فرآیند برنامه‌ریزی کلان ملی و فقدان نگاه کل‌نگر به سکونت‌گاه‌های روستایی به عنوان یکی از ارکان حیات نظام سرزمینی، منجر به عدم تعادل فضایی در فرایند توسعه، افزایش شکاف میان روستاها و شهرها و توسعه نامتوازن شده است. عدم توازن برای کشور نامناسب است و یکی از آثارش عدم استفاده از ظرفیتها و توانهای منطقه‌ای است و شکافهای جغرافیایی و اقتصادی و منطقه‌ای ناشی از همین برنامه‌ریزی‌ها است (فضلی، ۱۳۹۴).

با توجه به مطالب گفته شده توسعه متوازن پایدار باید به عنوان یک آرمان نهایی مورد توجه مسئولان قرار بگیرد، چون که توسعه متوازن توسعه‌ای است که علاوه بر اینکه سبب از بین بردن فقر، تورم، بیکاری و دیگر متغیرهای که لازمه توسعه است، می‌شود، سبب برپایی عدالت اجتماعی و اسلامی در جامعه می‌شود به گونه‌ای که فرصت‌ها در اختیار همه قرار بگیرد، در اینجا جا دارد به سخنان دکتر فرشاد مومنی درباره اهمیت این بحث اشاره شود: مبتنی بر بنیان‌های نظری و تجربی می‌توان به جرات بیان نمود که مقوله "عدالت اجتماعی" یکی از مهمترین مسایل تعیین‌کننده در توسعه یافتگی در سطح جهانی و نیز در ایران است. با وجود اینکه در آثار بزرگان دینی و ملی به روشنی به لزوم توجه به عدالت اجتماعی تاکید شده؛ اما بیشترین هزینه‌های توسعه نیافتگی در ایران ناشی از کمی توجهی عملی از سوی دولت‌ها به مقوله عدالت اجتماعی در سیاستها و برنامه‌های توسعه‌های می‌باشد. از جمله دلایل این امر، نبود تعریف مشخص و واحد در زمینه "عدالت اجتماعی" در کشور است.

براساس موازین اسلامی و مشاهدات تاریخی، جامعه‌ای که تکلیف خودش را بر مبنای عدالت تعیین نکرده باشد، جامعه‌ای خواهد بود که علم، عقل و اخلاق (به عنوان مولفه‌های اصلی توسعه یافتگی) در آن رشد نخواهد کرد.

در رابطه با توسعه متوازن می‌توان به نقش دولت برای اجرای کردن این مهم اشاره کرد، پایدار بودن توسعه که از اصلاحات بوم‌شناسی است، ضرورتاً نقش عمده دولت را می‌طلبد. البته کاربردهای مهمی از اصول بازار نیز وجود دارد، اما وظیفه دولتهاست که آنها را به کار گیرند. خصوصاً بازار آنقدر مجهز نیست که بتواند از منافع نسل‌های آینده حفاظت کند (ویلیامز، ۱۹۹۲). در جمله اخیر به منافع نسل‌های آینده اشاره شد که در اینجا محیط زیست به عنوان یک مهره مهم از شاخص‌های توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد و دوباره به نقش دولت در کنترل جمعیت و کاهش الاینده‌های کارخانه‌های تولیدی اشاره می‌شود، همچنین به نقش دولت در استفاده از درآمدهای نفتی اشاراتی خواهد شد.

با توجه به اینکه در کشور ما بالغ بر ۵۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۹،۹ میلیون نفر کل کشور، در شهرهای زندگی می‌کنند، بحث تراکم جمعیت شهرها و الودگی‌های پیش‌رو (بخصوص در کلان‌شهرها) بسیار مورد توجه قرار گرفته است، بحثی که اخیراً پژوهشگران از آن برای اجرای کردن توسعه متوازن در شهرها استفاده می‌کنند به توسعه درونی شهرت دارد. توسعه درونی به

مجموعه برنامه‌ها و اقداماتی هدفمند اطلاق می‌شود که به بازیابی خلاقانه زمین‌هایی می‌پردازد که در حال حاضر درون شهرها به صورت خالی رها شده یا قبلاً مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در حال حاضر از کارآمدی لازم برخوردار نیستند (Cabernet, 2006).

بنابراین در این مقاله به سه مقوله مهم جهت رسیدن به الگوی توسعه متوازن می‌پردازیم، هر چند که در خلال بحث به مقوله‌های فرعی نیز که در جای خود کم‌اهمیت نیستند اشاره می‌شود.

۱: بازنگری نقش دولت

الف: در کنترل جمعیت

ب: در کنترل درآمدهای نفتی و چگونگی استفاده از آن

ج: در خصوصی کردن بنگاه‌های و چگونگی فعالیت در بازار

۲: توسعه متوازن و محیط زیست

۳: توسعه درونی شهرها

مقاله حاضر به بررسی اهمیت عوامل مذکور در برپایی توسعه پایدار متوازن می‌پردازد، نتیجه‌ای که از این مقاله گرفته می‌شود این است که تا زمانی که برنامه‌های هدفمند و دقیق برای رسیدن به هدف نهایی که همان توسعه متوازن است اجرا نشود، وضعیت اقتصادی کشور بدتر نشود بهتر نمی‌شود و برای جواب گرفتن از سیاست‌های فعلی باید قرن‌ها انتظار کشید.

۱: دولت و توسعه پایدار متوازن

دولت مهم‌ترین نهاد یک کشور می‌باشد که اختیار زور قانونی دارد، همچنین می‌تواند به گونه‌های مختلفی اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار بدهد، دولت می‌تواند با تحت تاثیر قرار دادن متغیرهای اقتصادی سبب تحولی عمیق در وضعیت اشتغال و رفاه مردم شود.

در چند سال اخیر، با دقت بر نقش دولت، شاهد تعادلی جدید در توسعه بوده‌ایم. بانک جهانی در گزارش توسعه جهانی، سال ۱۹۹۱، بر عملکردهای دولت فراتر از ایجاد نظم و قانون و خدمات عمومی تاکید نمود. خصوصاً بانک جهانی نقش ویژه دولت را در سیاست مالی و اقتصاد کلان، محیط زیست، جمعیت و منابع انسانی را مورد توجه قرار داد (ویلیامز، ۱۹۹۲). بنابراین در این بخش به نقش دولت در کنترل جمعیت، تاثیر بر درآمدهای نفتی و خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی اشاره می‌کنیم.

پایدار بودن توسعه که از اصلاحات بوم‌شناسی است، ضرورتاً نقش عمده دولت را می‌طلبد. البته کاربردهای مهمی از اصول بازار نیز وجود دارد، اما وظیفه دولتهاست که آنها را به کار گیرند. خصوصاً بازار آنقدر مجهز نیست که بتواند از منافع نسلهای آینده حفاظت کند (ویلیامز، ۱۹۹۲).

۱-۱: نقش دولت در خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی

نکته غیر قابل انکار این است، بنگاههایی که تحت مالکیت و مدیریت دولت می‌باشند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایجاد نمی‌کنند. نیروی محرکه توسعه، فرهنگ سودگرانه بخش خصوصی است که در راس همه و نهایتاً با نتایجی همراه است. یک بخش خصوصی قوی تشکیل سازمان‌های انعطاف‌پذیر را به منظور انجام کارهایی با مقیاس‌های مختلف و در چارچوب بازار، آسان می‌کند. این فرهنگ، آن‌گونه نوآوری و سرمایه‌گذاری را ترغیب می‌کند که جوابگوی تغییرات و پیشرفت‌های سریع علوم و تکنولوژی باشد.

بخش خصوصی غنی‌ترین منبع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است و بهترین پدیدآورنده نه تنها ثروت، بلکه اشتغال، بازرگانی، تکنولوژی و نوآوری نیز هست. توسعه خصوصی عامل قاطع در رشد درآمد ملی است. سرمایه‌گذاری‌های خصوصی اگر جنبه تولیدکننده داشته باشند، می‌توانند در پیدایش و رشد موسسات تولیدی موثر باشند، بنابراین این موسسات جدید به نوبه خود به بازار و تهیه‌کنندگان کالا نیاز دارند و بدین ترتیب امکانات جدیدی را برای رشد اقتصادی ایجاد می‌کنند.

کنند(سهرابی، ۱۳۹۴).

دولت باید تلاش کند تا چارچوب مناسبی فراهم آورد تا هر نوع صنعت و کسب و کاری در خدمت هدف عمومی دستیابی به توسعه باشد، و در نتیجه آن، شان و منزلت انسانها و یکپارچگی محیط زیست حفظ گردد.

۲-۱: نقش دولت در کنترل جمعیت

توسعه ناهمگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور از اصلی‌ترین عوامل مهاجرت به شهرها و به هم خوردن نسبت جمعیتی در کشور در 30 سال اخیر بوده است. نقش دولت در این میان به کار بردن سیاست‌های است که بتواند سبب توسعه متوازن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در نواحی شهری و روستایی شود. در بحث کنترل جمعیت با دو مشکل روبرو هستیم یکی همان توسعه نامتوازن در نواحی روستایی و شهرها است و دیگری تراکم بیش از حد شهرها(بخصوص کلان شهرها) و الودگی این نواحی است، در چند سال اخیر شاهد مهاجرت روستایان و حتی شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، عمدتاً تهران هستیم، به علت وجود اکثر کارخانه‌ها و دیگر مشاغل کاری در این شهر مردم دیار خود را از سایر شهر و روستاها به این کلان شهر بزرگ ترک می‌کنند، از سوی دیگر این شهر پایتخت کشور است و اکثر وزارت خانه‌ها و سازمان‌های دولتی در این شهر مستقر اند، پس مهاجرت مردم و نیروی دولتی بیش از حد در این شهر دست به دست هم داده اند و سبب ایجاد شهری بسیار الوده شده اند که زندگی را در این شهر بسیار سخت کرده است.

از جمله سیاست‌های که برای کاهش تراکم جمعیت تهران گرفته شده بود، طرح مهاجرت معکوس بود، بخشی از افرادی که در سالیان گذشته به امید کسب و کار و زندگی بهتر، به این شهر رفته اند، اینک با تسهیلاتی که دولت برایشان فراهم خواهد کرد، به دیار خود بازگردند تا از این رهگذر، قدری از تراکم جمعیت تهران کاسته شود. از سوی دیگر، بحث انتقال وزارت خانه‌ها، ادارات و نهادهای دولتی به خارج از تهران داغ شده و نزدیک به 15 هزار کارمند داوطلب خروج از تهران هستند. مثال مذکور یک نمونه از تلاش و توانایی دولت‌ها برای کنترل جمعیت می‌باشد، این نکته حائز اهمیت است که باید دولت‌ها با دقت بیشتر و سیاست‌های دقیق‌تر جهت رسیدن به توسعه متوازن در نواحی مختلف کشور تلاش کنند.

نگاهی به آمارهای یک دوره ۲۴ ساله (۸۸ - ۶۵) نشان می‌دهد که جمعیت شهر نشین از حدود ۸/۲۶ میلیون نفر در سال ۶۵ با رشد ۸۶ درصدی به ۹/۴۹ میلیون نفر رسیده، در حالی که رشد این نرخ در مناطق روستایی در دوره مذکور تنها ۵/۱ درصد محاسبه می‌شود(ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۹).

با نگاه به سرشماری سال ۱۳۹۵ متوجه می‌شویم که جمعیت کشور به صورت فزاینده‌ای در حال رشد کردن است و اگر فکری برای کنترل آن نشود عوارض فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی فراوانی به بار می‌آورد.

البته این نکته را باید در نظر گرفت که به طور کلی، شهرنشینی امری نامطلوب نیست، بلکه از شاخص‌های توسعه یک کشور محسوب می‌شود، اما گذار از زندگی روستایی به شهری برای کشورهای در حال توسعه همچون ایران نباید به قیمت نابودی تولیدات صنعتی و کشاورزی و افزایش افراطی واردات - آن هم با اتکای مطلق به درآمدهای نفتی و گازی - تمام شود(همان).

۳-۱: نقش دولت در کنترل درآمد‌های نفتی

مشکلات تأمین مالی بخشهای مختلف اقتصادی و درگیری‌های سیستم بانکی در کشور ما، موانعی را در مسیر توسعه اقتصادی پدید آورده اند. مشکل اساسی در اقتصاد ایران آن است که در هر شرایطی که در آن واقع ایم، بخشی از تحلیل‌ها باید از کانال نفت بگذرند. این امر، نتیجه نفتی بودن بیش از حد ابزارهای توسعه اقتصادی کشور است. نکته مهم و فراموش شده این معادله، تقویت حضور سایر بخش‌های اقتصادی و بررسی راهکارهای اثر گذاری این بخش‌ها در ارتقای رشد اقتصادی کشور می‌باشد(همان).

می‌توان به این قناعت رسید که اقتصاد ایران بدون درآمد‌های حاصل از نفت اقتصادی فلج است و دچار انواع بیماری‌های اقتصادی می‌شود و از رشد اقتصادی باز می‌ماند اینجاست که بحث سرمایه گذاری مطرح می‌شود تا به وسیله آن زمینه

رشد را در کشور فراهم کرد در رابطه با این موضوع بد نیست که به نکات محمد کرد بچه (مشاور رییس سازمان و مدیریت و برنامه ریزی کشور) اشاره کرد. ایشان معتقدند که نباید در پی ایجاد اقتصاد بدون نفت در کشور بود بلکه بهتر است به دنبال «اقتصاد بدون اتکا به درآمد های حاصل از نفت» بود در پی سخنان به این نکته اشاره داشتند که نباید نفت را از بخش اقتصاد حذف کرد همان طور که حذف هر کدام از متغیر های اساسی که بر روی رشد تاثیر می گذارند سیاستی غلط است، بلکه باید زمینه را برای رشد سرمایه گذاری خارجی و داخلی ایجاد نمود تا از این طریق هم رشد اقتصادی ایجاد شود وهم تاثیر نوسانات نفت بر روی اقتصاد کمتر شود (سهرابی، ۱۳۹۴).

بنابراین ایجاد ساختار های غیر نفتی و توسعه آن ها باید مورد توجه قرار بگیرد تا تناسب و توازن در تمام بخش های اقتصادی به وجود بیاید.

۲: توسعه متوازن و محیط زیست

در جوامع بشری، توسعه با به کارگیری انرژی بیشتر میسر می گردد و بدین ترتیب انسان برای دست یابی به توسعه، خصوصیات فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، اجتماعی و سنتی محیط زیست خود را دگرگون می سازد. تولید، انتقال و مصرف انرژی، اثرات زیست محیطی مهمی در اکوسیستم زمین بر جای می گذارد (عبدلی و یدقار، ۱۳۸۵). اقتصاد سنتی غالباً تصویر گمراه کننده ای از رابطه یک سیستم اقتصادی و محیط زیستی که آن را احاطه نموده، ارائه می دهد. از این دیدگاه سیستم اقتصادی شامل مجموعه ای از نهادها و فعالیت هایی است که برای تخصیص کارآمد و بهینه منابع و فراهم آوری سود و منفعت در نتیجه خواست ها و تمایلات بشری طراحی و به اجرا در می آید و محیط زیست، متشکل از اکوسیستم ها یا روابط درونی بین گونه های جاندار به تنهایی و یا با ساختار غیر زنده یا غیرجاندار محیط است. این مدل های ساده اقتصادی اساساً از روابط درونی اقتصاد با محیط زیست صرف نظر کرده اند. در عمل (واقعیت) خلاف این موضوع را ثابت می کند. اقتصاد، یک سیستم باز و گردشی است که تنها در صورتی می تواند کارکرد خویش را انجام دهد که از جانب نهادها و تشکیلات زیست محیطی حمایت شود (علایی و یار علی، ۱۳۸۸).

امروزه تخریب محیط زیست به بحرانی جهانی تبدیل شده که روز به روز بر عمق و دامنه این بحران افزوده می شود. به این دلیل حفاظت از آن به آن چنان ارزش اخلاقی تبدیل شده است که حمایت کیفری از آن ضروری می نماید. با ماشینی شدن زندگی انسان و پیشرفت های تکنولوژیک وی، زمینه مهار بیشتر طبیعت فراهم گردید. از این پس انسان به عنوان ارباب بلامنازع طبیعت ظاهر گشت و برای دستیابی به اهداف و رفع نیازهای رو به رشد خود راه چپاول طبیعت را در پیش گرفت.

در نتیجه رابطه انسان و طبیعت از یک رابطه متعادل و برابر به رابطه ای نابرابر تبدیل شد که انسان حاکم طبیعت شناخته می شد. به این ترتیب دستیابی به توسعه پایدار را با مشکل روبرو ساخت. با توجه به اینکه در راستای عدالت محیطی دستیابی به توسعه پایدار متضمن وجود چهار عامل (الف) محیط (ب) جمعیت و منابع، (ج) اقتصاد، (د) فرهنگ و جامعه می باشد، بنابراین نبود هر یک از این عوامل مانع از دستیابی به توسعه پایدار و عدالت محیطی خواهد شد. در این بین محیط زیست نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار که در حیات انسانی نقش مؤثری را ایفا می نماید به وسیله ای اساسی برای دستیابی به توسعه زود هنگام بر اساس دیدگاههای سودمحور موجود در جهان سرمایه داری تبدیل شده است. در صورتیکه روند فعلی بهره برداری و تخریب محیط زیست با تکیه بر مکاتب اصالت فایده و سرمایه داری ادامه یابد نه تنها مانع از تحقق توسعه پایدار خواهد شد بلکه آینده حیات را در زمین در معرض خطر نابودی قرار می دهد (احمدی و حاجی نژاد، ۱۳۸۹).

با توجه به مطالب مذکور اگر علل تخریب محیط زیست در کارکردهای اقتصادی ریشه داشته باشد، راه حل نیز در همان نهفته است، بنابراین در اینجا به شش اصل مهم که در گزارش لاهه معرفی شده است؛ اشاره می کنیم:

۱: توجه به محیط زیست، توجه به یک قصه علمی نیست، بلکه خطر واقعی در حال رشد است.

درباره این مورد می توان گفت که در حدود ۱۰ درصد از ظرفیت خاک های سیاره ما زمین های حاصل خیز بوده که بر اثر دخالت عمدی و یا بی توجهی مردم، تبدیل به کویر یا ضایعات شده اند، در حالیکه ۲۵ درصد آن در معرض خطر از بین رفتن

قرار گرفته است و هر سال حدود ۸٫۵ میلیون هکتار از طریق فرسایش از بین می‌رود. بیش از ۲۰ میلیون هکتار از جنگل‌های حاره‌ای هر سال قطع می‌شوند.

۲: پاسخ اندیشمندان به مسایل محیط زیست، آن نیست که رشد اقتصادی فعلی را متوقف کنیم، یا الگوی قبلی رشد را ادامه دهیم، بلکه مدل‌های جدید را باید برای توسعه پایدار طراحی کرد.

۳: در مدل‌های جدید توسعه پایدار توجه اصلی به مردم، به عنوان مهمترین عامل، همراه با تکنولوژی بی‌خطر زیست محیطی است. تمام برنامه‌های سرمایه‌گذاری به دنبال راه‌هایی هستند که کمیابی منابع زیست محیطی را در فرایند تصمیم‌گیری آینده منعکس نمایند.

۴: مفهوم پایداری، سوالات عمیقی را درباره خصوصیات و چگونگی توزیع آینده رشد جهانی مطرح می‌کند.

۵: بین اولویت‌های زیست محیطی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تفاوت‌های بحران‌آمیزی وجود دارد.

۶: مدل‌های توسعه پایدار باید از تفاوت‌های بین مسایل زیست محیطی ملی و جهانی اجتناب ورزند.

۳: توسعه درونی شهرها

به وضوح دیده می‌شود که الگوهای توسعه شهری در اغلب نقاط جهان از نظر اجتماعی و روانی، مطلوبیتی ندارد. شهرها و سکونتگاه‌های موجود به هیچ وجه مطابق با معیارها و ضوابط مورد نظر نیستند. مراکز شهری اغلب فرسوده و خالی از فعالیت شده‌اند. حومه‌های شهری فاقد روحیه شهری و به شدت متکی بر اتومبیل‌اند. الگوهای پراکنده و بی‌رویه توسعه در مناطق شهری وابسته به یک شبکه ارتباطی و حمل‌ونقل پیچیده‌ای است که نتیجه آن گره‌های طولانی ترافیک و رفت‌وآمد‌های طولانی و خسته‌کننده روزانه است. مردم به طور روز افزونی از یکدیگر جدا می‌شوند. الگوهای کاربری زمین با مبنای جداسازی و تفکیک قشرهای مختلف برحسب درآمد و شغل استوار است و این خود ریشه در توزیع نامتعادل و غیر منصفانه امکانات و موقعیت‌ها دارد (ستاری رثوف و بهرامی فر، ۱۳۸۷).

توسعه سریع شهری، در چند دهه‌ی معاصر از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و ... زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده است. مطرح شدن توسعه‌ی پایدار، به عنوان شعار اصلی هزاره‌ی سوم نیز ناشی از اثرات شهرها بر گستره‌ی زیست‌کره و ابعاد مختلف زندگی انسانی است. بدون شک بحث از پایداری و توسعه‌ی پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی بی‌معنی خواهد بود. شهرها به عنوان عامل اصلی ایجادکننده‌ی ناپایداری در جهان به شمار می‌روند (قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵).

با توجه به اینکه اکثریت جمعیت رو به افزایش کره زمین در مناطق شهری زندگی میکنند نمی‌توان شهر را به سادگی رها کرد.

در شهر تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته، مبالغ زیادی سرمایه‌گذاری شده که نمی‌توان اینها را به سادگی نادیده گرفت. در همین راستا توسعه پایدار شهری به صورت راه‌حلی برای معمای توسعه شهر در شرایط متحول سال‌های پایانی قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. در شهر پایدار هدف این است که قبل از مصرف یا تخریب اراضی مهم طبیعی یا اراضی بایر در اطراف شهر، از زمین‌های موجود در داخل شهر استفاده به عمل آید (برند فری، ۱۳۷۸).

استفاده مؤثرتر از زمین‌های تحت پوشش توسعه شهری و استقرار بخش اعظم رشد آینده جمعیت از طریق پرکردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم، نوسازی و بازسازی مناطق فرسوده و احیاء و تغییر کاربری بناهای قدیمی در توسعه درونی شهر به شدت مورد تأکید است (حبیبی، ۱۳۸۸).

نوسازی بافت شهری این امکان را به وجود می‌آورد که شهرسازی به معنای واقعی آن شکل گیرد. از طرف دیگر به جای سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در عرصه‌های خارج از شهر و رشد پراکنده و از هم گسیخته آن، سرمایه‌گذاری در درون شهر انجام گیرد (شماعی و پور احمد، ۱۳۸۴).

در واقع از طریق توسعه درونی، ضمن نوسازی، از گسترش بی‌رویه کالبد شهر نیز جلوگیری شده و پایداری شهری تحقق می‌یابد. تأملی در تجربیات جهانی و داخلی و بررسی نتایج آنها می‌تواند به تحقق اهداف توسعه درونی در کشور کمک کرده و همچنین تأکیدی بر اهمیت موضوع و ضرورت توجه دو چندان به این حوزه‌ها باشد (ایزدی و امیری، ۱۳۹۵).

گسترش بی‌رویه، شتابان و ناموزون کالبدی شهرها یکی از عوامل اصلی در بروز مسایل شهری به ویژه افت منزلت اجتماعی، عملکردی، زیست محیطی و کالبدی آنهاست. در مواجهه با این معضلات، توسعه درونی به عنوان پایدارترین الگوی توسعه برای شهرها معرفی شده است. توسعه درونی، سیاستی است که با هدف دستیابی به توسعه موزون، متعادل و پایدار شهری به شناسایی و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود توسعه در درون محدوده شهر می‌پردازد. در این میان تأسیسات و اراضی نظامی درونی شهرها با پهنه‌های وسیع خود در شهرها، به عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه درونی می‌توانند فرصتی برای تجدید حیات شهرها باشند (همان).

توسعه درونی به مجموعه برنامه‌ها و اقداماتی هدفمند اطلاق می‌شود که به بازیابی خلاقانه زمین‌هایی می‌پردازد که در حال حاضر درون شهرها به صورت خالی رها شده یا قبلاً مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در حال حاضر از کارآمدی لازم برخوردار نیستند (cabernet، 2006).

این سیاست نوعی محدودیت گسترش افقی شهر است، تا توسعه بی‌رویه را متوقف یا حتی معکوس کند. این کار را می‌توان به کمک استفاده مجدد از کاربری‌های کم‌استفاده - بلا استفاده و اراضی آلوده، استفاده مجدد از زیرساخت‌ها و اراضی توسعه یافته قبلی، تجدید حیات مناطق موجود شهر و ارتقای زندگی شهری انجام داد (برند فری، ۱۳۷۸).

براساس سند بازآفرینی شهری در ایران، توسعه درونی گونه‌ای از توسعه شهری است که با هدف دستیابی به توسعه موزون، متعادل و پایدار شهری با شناسایی و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود توسعه در درون محدوده شهر بر اصل فراهم کردن شرایط زندگی سالم، ایمن و استاندارد و توانمندسازی ساکنان و ارتقاء شرایط کیفی زندگی شهروندان استوار است (عمران و بهسازی شهری، ۱۳۹۳).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه توسعه پایدار بحثی است که چند دهه از شروع آن می‌گذرد، می‌توان گفت که چهار چوب این پژوهش در راستای دیگر پژوهش‌های مربوط به این حیطه است، ولی دو نکته در اینجا حائز اهمیت است اول اینکه در این پژوهش به توسعه متوازن پایدار که بحثی جدید در کشور ایران است اشاره شده است و دوم اینکه در این مقاله سعی شده است تا به طور جامعی به عوامل موثری که سبب شکوفایی توسعه متوازن پایدار شود، اشاره شود.

تمامی جوامع به دنبال زندگی عادلانه هستند به طوری که هرکسی به هر جای که لیاقت دارد برسد، اگر به این مسئله از زاویه اقتصادی نگاه کنیم دقیقاً به همان توسعه متوازن پایدار می‌رسیم لذا پیشنهادهاتی که داده می‌شود این است که اولاً، دولت‌ها باید به طور دقیق و طی یک برنامه هدفمند بتوانند عدالت اجتماعی را در جامعه نهادینه کنند. دوم اینکه خصوصی کردن بنگاه‌ها و حمایت اولیه از آن‌ها باید در دستور کار قرار بگیرد و آخرین پیشنهاد این است که توجه به محیط زیست چه در شهرها و چه در روستاها مورد توجه قرار بگیرد و این که منحصر به شهر خاصی نباشد بلکه باید برای تمام مناطق کشور به تناسب الودگی که دارد اقدامات لازم اجرا شود تا هم محیط زیست حفظ شود و هم عدالت متوازن نیز اجرا شود.

منابع

- ایزدی، محمد سعید، امیری، نگین، توسعه درونی، الگویی متوازن، متعادل و پایدار برای توسعه و ارتقاء کیفی شهر، برنامه‌ریزی برای توسعه مجدد اراضی نظامی درون شهری، شماره ۴۱، مهر و آبان ۱۳۹۵
- قرخلو، مهدی، حسینی، هادی، شاخص‌های توسعه پایدار شهری، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره هشتم، ۱۳۸۵
- ستاری رئوف، ایلقار، بهرامی فر، پیمان، توسعه پایدار شهرها گامی در جهت احیای فضاهای سبز و مناظر شهری، سومین همایش ملی فضای سبز و منظر شهری، ویژه‌نامه شماره ۲۷، ۱۳۸۷
- سهرابی، شیرکو، عسگری بیگدلی، فرشاد، سرمایه‌گذاری پلی برای رشد اقتصادی، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد،



حسابداری و علوم تربیتی (MEAE2015)، خرداد ۱۳۹۴

- ماهنامه اقتصاد ایران، اقتصاد سیاسی ایران، درآرزوی توسعه متوازن، مرداد ۱۳۸۹
- ماهنامه اقتصاد ایران، گزارش ویژه: آفت وخیز رشد ایران و همسایگان، اتحاد متوازن برای توسعه متوازن، بهمن ۱۳۸۹
- ویلیامز، موریس، توسعه نهادین متوازن - مفاهیم جدیدی از مسئولیت بخش دولتی و بخش خصوصی، کنفرانس جهانی کارآفرینی و مسئولیت شرکتی، شهر رم، هشتم سپتامبر ۱۹۹۲
- فضلی، رحمان، الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه ای، نشریه علمی-خبری، دبیرخانه دائمی همایش الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه ای، سال دوم، شماره ۲۵، شماره مسلسل ۳۵، ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۴
- مومنی، فرشاد، جایگاه و نقش عدالت اجتماعی در توسعه پایدار و متوازن منطقه ای، نشریه علمی-خبری، دبیرخانه دائمی همایش الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه ای، سال دوم، شماره ۲۱، شماره مسلسل ۳۱، ۲۱ شهریور ۱۳۹۴
- احمدی، فرج اله، ابعاد سیاسی- امنیتی توسعه پایدار و متوازن منطقه ای، نشریه خبری دائمی همایش الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه ای، سال دوم، شماره ۱۵، شماره مسلسل ۲۵، ۱۰ مرداد ۱۳۹۴
- صادقی، حسین، فتحی، مهدی، فرهنگ، توسعه پایدار و محیط زیست، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۹ و ۳۰، خرداد و تیر ۱۳۸۸
- پرانک، ژان، الحق، محبوب، گزارش لاهه؛ پیش زمینه توسعه پایدار، بانک و اقتصاد، شماره ۲۵، صفحه ۵۷ تا ۶۱
- علایی، حسن، یارعلی، نبی اله، اقتصاد پایدار، توسعه پایدار، مجموعه مقالات هشتمین همایش از سلسله همایش های منطقه ای چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر کرد، فروردین ۱۳۸۸
- احمدی، علی، حاجی نژاد، علی، تخریب محیط زیست مانعی در برابر توسعه پایدار، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیادانان جهان اسلام (ICIWG 2010)، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۵ فروردین ۱۳۸۹
- عبدلی، محمدعلی، یدقار، امیر محمد، انرژی، توسعه و محیط زیست، نشریه انرژی ایران، سال دهم، شماره ۲۶، مرداد ۱۳۸۵

